



رکھیل و برسات ہجرت
اسم رضا (ع) بہ ایران

دلایل وبرکات هجرت امام رضا به ایران

فعل معصوم ، مأموریتی الهی

اگر ما بخواهیم راجع به فعل معصوم علیه السلام ، مخصوصاً افعال محوری معصوم علیه السلام ، که تأثیر گذار در تمام تاریخ بوده است صحبت کنیم ، مثل قیام ابا عبدالله علیه السلام ، صلح امام حسن علیه السلام ، هجرت امام رضا علیه السلام و ... باید این نکته را بدانیم که معصوم علیه السلام عبد الهی و بنده محض خداست و کارهایی که انجام می دهد ، جنبه ی مأموریت های الهی دارد و کار و برنامه ای است که باید در این عالم انجام شود .

برنامه هایی که ای بسا ما از آن خبر نداریم و برای ما سرّ است ولی خود معصوم علیه السلام می داند چه می کند . اگر ما به این توجه نداشته باشیم که معصوم علیه السلام از روی مأموریت های الهی این کار را انجام می دهد. نه می توانیم درست حرکت معصوم علیه السلام را بشناسیم و نه می توانیم تسلیم او باشیم .

داستان حضرت موسی علیه السلام و خضر علیه السلام که در قرآن آمده است به همین مأموریت الهی ولی خدا و تسلیم بودن در برابر ولی خدا اشاره دارد . حضرت خضر علیه السلام سه تصرف و کار در منظر موسی علیه السلام انجام داد

۱. نخست سوار بر کشتی شدند و حضرت خضر علیه السلام اقدام به سوراخ کردن

کشتی کرد که بانگ اعتراض موسی علیه السلام بر خاست.



۲. چیزی نگذشت در مسیر خود به نوجوانی برخورد کردند حضرت خضر علیه السلام بی مقدمه اقدام به قتل او کرد! ، موسی علیه السلام را سخت از کوره به در برد، و زبان به اعتراض گشود

۳. چیزی نگذشت که سومین حادثه رخ داد؛ آن دو وارد شهری شدند، مردم شهر حتی حاضر به پذیرایی مختصر از آنان نشدند، ولی حضرت خضر علیه السلام به کنار دیواری که در حال فرو ریختن بود رسید، آستین بالا زد و از موسی علیه السلام نیز کمک خواست تا دیوار را مرمت کنند باز موسی علیه السلام به حضرت خضر علیه السلام اعتراض کرد که آیا این دلسوزی در برابر آن بی مهری منطقی است؟ اینجا بود که حضرت خضر علیه السلام اعلام جدایی از موسی علیه السلام نمود.

تسلیم بودن در برابر ولی خدا

وقتی سر ولی الله را ندانیم ، چه بسا اعتراض کنیم و حتی نعوذ بالله فعلش را ظالمانه هم بدانیم. اگر ما لایه های زیرین فعل معصوم علیه السلام را بفهمیم و پشت پرده اش را بدانیم کاملاً تسلیم می شویم . ولی مهم اینجاست که ما نمی توانیم از تمام اسرار معصومین علیهم السلام با خبر شویم . آنچه که وظیفه ما هست این است که تسلیم محض ولی خدا باشیم.

آشکار شدن اسرار فعل معصوم علیه السلام بعد از قرن ها

البته اصولاً اسرار معصومین علیهم السلام در طول تاریخ و در طی صدها سال تا حدی روشن شود . مثلاً اینکه چرا اباعبدالله علیه السلام اهل و عیالش را با خودش جنگ برد؟ سرّ این فعل امام حسین علیه السلام را کسی نمی دانست و خیلی ها که چه بسا دلسوز هم بودند به او اعتراض کردند . ولی بعد از گذشت سالها ما به این موضوع آگاه شدیم که اگر حضرت



خانواده اش را نمی آورد پیام عاشورا به گوش تاریخ نمی رسید . مثلاً شام ، مقر بنی امیه با آنکه تبلیغات شدیدی بر علیه اهل بیت داشتند ولی مقررشان توسط همین خانواده ی امام حسین علیه السلام فتح شد.

و هم اکنون نتایج آن را می بینیم که در سوریه و در شهر دمشق که پایتخت بنی امیه بوده اذان شیعه را می شنویم ولی در مکه که محل وحی و نزول فرشتگان بوده است، اذان شیعه را نمی شنویم . و کسی جز خانواده ی امام حسین علیه السلام این مکان را فتح نکرد . یا خود حرکت و نهضت امام حسین علیه السلام که آن فعلشان نیز در زمان خودشان مورد اعتراض قرار گرفت . ولی الان بعد از صدها سال می دانیم اگر دین خدا ، نورش برقرار است به برکت شهادت ابا عبدالله علیه السلام است . هنوز هم سرّ قیام ابا عبدالله علیه السلام کاملاً روشن نشده است . سرّ بذر افشانی که امام حسین علیه السلام در روز عاشورا کرد مقداری در زمان ظهور امام زمان علیه السلام روشن می شود . و بقیه این سرّ ، در قیامت و زمانی که خداوند جل جلاله مقام شفاعتش را به سید الشهدا علیه السلام می دهد، مشخص می شود . که شهادت ایشان چه آثاری داشته است .

هجرت امام رضا علیه السلام به ایران

مهمترین فعل و حرکت امام رضا علیه السلام یعنی حرکت محوری وجود مقدس امام رضا علیه السلام ، همان هجرت ایشان به ایران بود که تاثیری بسزایی نه در ایران بلکه در عالم گذاشتند و ما هم اکنون از همان تأثیر بهر مند هستیم .

وقتی امام رضا علیه السلام ولی عهدی مأمون را قبول کردند ، یک عده شروع به اعتراض کردن ، چون سرّ معصوم علیه السلام را نمی دانستند و تسلیم هم نبودند . به حضرت می گفتند : چرا ولایت عهدی کسی را پذیرفتی که پدرش، پدر شما موسی بن جعفر علیه السلام را زندانی کرد و به شهادت رساند . خوب برای آنها عجیب بود ، سالها موسی بن جعفر



علیه السلام زندان کشیده و در مقابل هارون الرشید مبارزه کرده بود و توسط پدر مأمون هم به شهادت رسید . حال امام رضا علیه السلام یکدفعه بعد از پدرش موسی بن جعفر علیه السلام ولایت عهدی مأمون را قبول کرد . و به سبب ظاهر یک سازشی اتفاق افتاد . در آن زمان بود که بعضی از علوی هایی که تندتر از امامشان حرکت می کردند شروع به اعتراض کردند و ریزش ها شروع شد .

اهداف مأمون از پیشنهاد ولی عهدی به امام رضا علیه السلام

مأمون از این پیشنهادش چند هدف خبیثانه داشت

۱. نیت داشت که امام رضا علیه السلام را خراب کند و امام رضا علیه السلام را به عنوان فردی نعوذ بالله دنیا طلب و ریاست طلب معرفی کند.
۲. نیت دیگرش این بود که به حکومتش مشروعیت ببخشد و ثابت کند که وقتی امام رضا علیه السلام ولی عهدی ما را قبول کرده پس حکومت ما را نیز قبول دارد ۳- و نیت اختلاف انداختن بین علویان و شیعیان را داشت ، که تا حدی هم موفق شد .

واکنش امام رضا علیه السلام در برابر دعوت مأمون

وجود مقدس امام رضا علیه السلام اول کاری که کردند ، کید و حيله مامون را خنثی کرد . یعنی وقتی ولایت عهدی به امام رضا علیه السلام پیشنهاد شد، امام رضا علیه السلام نپذیرفت و زیر بار نرفت . هر چه مامون نامه نگاری کرد و مأمور فرستاد ، باز هم نپذیرفتند تا مامون در آخر مجبور به تهدید شد . سرانجام امام رضا علیه السلام پس از تهدیدهای فراوان و مکرر، آماده رفتن شد .



ولی قبل از اینکه از مدینه خارج شود با انجام ۳ کار نشان داد که با اکراه به سمت این ولی عهدی می رود .

- ۱- وقتی خواستند از مدینه خارج شوند خانواده شان را جمع کرده، و فرمودند
برایشان گریه کنند ، سپس به آنها فرمودند که من دیگر از این سفر بر نمی گردم
- ۲- هنگامی که فرستاده‌ی مأمون وارد مدینه شد ، امام، علیه السلام، برای وداع با
پیامبر، صلی الله و علیه و آله و سلم، وارد حرم شریف نبوی گردید. حضرت در حالی که با
صدای بلند گریه می کرد چند نوبت با پیغمبر صلی الله و علیه و آله و سلم و مرقد پاک او
خداحافظی کرد. یعنی می رفتند داخل خداحافظی می کردند بیرون می آمدند
در حالی که گریه می کردند دوباره به داخل حرم بر می گشتند.
- ۳- بعد هم وجود مقدس حضرت رضا علیه السلام به مرو آمد (مشهد فعلی) و دوباره
مأمون برای ولی عهدی اسرار کرد ، حضرت ولی عهدی را به شرطی قبول کردند
که در هیچ کاری مداخله نکند . این فعل امام علیه السلام به این معنی بود که اصلاً
این حکومت را قبول ندارد و مأمون را مشروع نمی داند . به این صورت کید
مأمون را خنثی کرد .

اسرار و برکات هجرت امام رضا علیه السلام به ایران

با این حال امام با آمدنش در ایران چند تصرف انجام داد :

- ۱- امام علیه السلام با آمدنشان به ایران پایتختی برای شیعه درست کردند . هنگامی که
حضرت رضا علیه السلام به ایران آمد مأمون را باتدبیری از ایران اخراج کرد . حضرت
به مأمون فرمود: در بغداد بر علیه تو توطئه و شورش می کنند به بغداد برو .



۲- مأمون به بغداد رفت و دیگر بر نگشت و بغداد را پایتخت قرار داد . مرو و خراسان بی مانع برای رشد شیعیان باقی ماند . بدون مانع یعنی امام رضا علیه السلام بنی

عباس را بیرون کرد که ایران برای رشد تشیع باقی بماند

۳- در طول تاریخ شیعیان حکومت نداشتند ولی این حرکت امام رضا علیه السلام باعث شد حکومت در دست شیعیان بیفتد .

۴- اینکه در روایات می بینیم زیارت امام رضا علیه السلام خیلی توصیه شده است (در عین حال که در فضایل معنوی زیارت حضرت شکی نیست) اما یک جهت دیگر توصیه ی زیارت حضرت رضا علیه السلام این بود که شیعیان از آن استقبال کنند و ایران ، این مرکز و پایتخت شیعه تقویت شود .

۵- بعد از مهاجرت امام رضا علیه السلام ، امام زادگانی نیز به ایران آمدند (۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ امام زاده در ایران است) که حیات بسیاری از آنها با حیات امام رضا علیه السلام همزمان بود . بعضی ها بعد از شهادت امام رضا علیه السلام به ایران آمدند و هر کدام در گوشه ای از ایران پخش شدند و بعد از وفات و شهادتشان پایگاه هایی برای عشق ورزیدن به اهل بیت شدند و اینگونه، کانون تشیع قوی شد .

۶- وجود مقدس امام رضا علیه السلام بود که باعث شد بسیاری از ایرانی ها شیعه شوند، اگر نه نوعاً اکثر مناطق ایران شیعه نبودند و این یکی دیگر از تصرفات حضرت بود

۷- تصرف دیگر امام رضا علیه السلام ، اشاعه معارف امام شناسی بود . معرفت به ائمه قبل از امام رضا علیه السلام خصوصی بود و برای خواص بود . بعد از امام رضا علیه السلام معارف اهل بیت عمومی شد و عامه مردم معارف بلندی نسبت به اهل بیت علیهم السلام پیدا کردند



۸- با اشاعه معارف شیعه و رشد ظرفیت شیعه، خدا یک امتحان سنگین از شیعه گرفت اما شیعه تکان نخورد. شیعه به امامت امام جواد علیه السلام خردسال امتحان شد. امامت یک امام خردسال امتحان سنگینی بود علی قاعده نباید آن را قبول می کردند چون طبق حساب و کتاب های مادی امام علیه السلام (که رهبری که امت را بر عهده دارد) نمی تواند کودک باشد اما آنقدر شیعیان رشد پیدا کرده بود که در این امتحان هیچ انشعابی در شیعه رخ نداد. و این رشدها به برکت وجود مقدس حضرت رضا علیه السلام بوده است.

۹- یکی دیگر از تصرفات امام رضا آبرومند کردن شیعه در مقابل ادیان دیگر بود. مأمون در مجالسی که برای مناظره و بحث تشکیل می داد. و از همه ی فرقه ها و ادیان دعوت می کرد. بزرگان مسیحیت، بزرگان یهودیت، بزرگ زرتشتی، بزرگ صابئی از بزرگان اهل سنت و از همه ی فرقه ها دعوت می کرد. یعنی همه ی ادیان و مذاهب را رو در روی امام رضا قرار می داد و قصدش از اینکار خراب کردن حضرت بود. و اگر کسی غیر از امام رضا در آن جایگاه می بود قطعاً بد نام می شد. اما عالم آل محمد وجود مقدس حضرت رضا با طمأنینه و وقار می آمد در این مجالس بزرگ می نشست و با یک یک این علما بحث می کرد و برعکس آنچه آنها می خواستند، به یمن وجود امام رضا، خودشان بدنام و شیعه آبرومند و با عزت می شد.

